

به احترام جانباختگان دهه‌ی ۶۰، دیگر همین یک دقیقه را هم سکوت نمی‌کنیم!

ربع قرن از کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان خونین ۱۳۶۷ در ایران می‌گذرد. جمهوری اسلامی با کشتار گسترده و زندانی و تارومار کردن یک نسل انقلابی و تحول‌خواه تلاش کرد روحیه انقلابی‌گری و خواست تغییر در جامعه را سرکوب کند. آن‌ها ذبونا نه انقلابیون در بند را کشتند چرا که وحشت داشتند که آن‌ها در پیوند با یاران‌شان در زندان بزرگ جامعه، مقدمات سرنگونی حکومت و اسپرگرای جمهوری اسلامی را بر پا کنند؛ در این میان امپریالیستها و تمام رسانه‌های غربی بر مبنای منافع اقتصادی و سیاسی‌اشان و حفظ کلیت نظام جمهوری اسلامی با سکوت رضایت‌مندانه‌شان مهر تأییدی به این جنایات زدند.

مصطفی پورمحمدی، کسی که رئیس‌جمهور جدید ایران یعنی آقای روحانی، به عنوان وزیر دادگستری انتخاب کرده است، یکی از ۳ عضو هیاتی بود، که با رای آن هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ به جوخه‌های اعدام فرستاد شدند و این تنها یکی از ده‌ها جنایاتی است که پور محمدی وزیر منتخب روحانی در کارنامه خدماتی خود دارد.

سال‌هاست که خانواده‌ی جانباختگان، جان‌بدرندگان، اپوزیسیون انقلابی و نیروهای پیشرو سعی در بازخوانی جنایات جمهوری اسلامی در دهه‌ی شصت دارند تا پرده از حقیقت بگیرند. آن‌ها از جسارت و پایداری تا به آخر مبارزینی می‌گویند که سر دادند و سر ندادند. امروز نیز شعار "نه فراموش می‌کنیم! و نه می‌بخشیم!" کماکان تأکیدی بر مبارزه‌ی به حق آن نسل و افشای جنایات جمهوری اسلامی است؛ آن‌هم در شرایطی که جنایت‌پیشگان یکی‌یکی ردای خون‌خواهی به تن کرده، دستان خون‌آلودشان را پشت سر پنهان می‌کنند و با گردن افراخته ادعای عدالت‌پروری، عدالت‌گستری و اعتدال‌گرایی می‌کنند. بخشی از فعالین به اصطلاح "اپوزیسیون" نیز مردم را دعوت می‌کنند که به درگاه این جنایت‌پیشه‌گان دخیل بسته، خود را تسلیم مطامع آنان نمایند. بنابر این هدف از واشکافی حقیقت، صرفاً افشای جنایاتی مربوط به گذشته نیست، بلکه هویدا کردن این واقعیت است که همان جانیان با شعارهای مردم‌فریب به جنایات‌شان ادامه می‌دهند. هدف ترسیم راه آینده است.

زندان‌های جمهوری اسلامی علاوه بر شکنجه‌های جسمی قرون وسطایی، روان و دیدگاه‌های فکری زندانی را به شکل ایدئولوژیک مورد هجوم قرار می‌دهند. هدف این پروژه نه تنها تخریب و حذف یک نسل انقلابی بود بلکه حاکمیت از این طریق حساس‌ترین اعصاب جامعه را هدف قرار داده بود تا کل جامعه را فلج کند.

این نوع شکنجه و تخریب در مورد زنان به مراتب ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری به خود می‌گرفت. حکومتی که یکی از مهم‌ترین ستون‌های بقای آن وضعیت فرودست زنان است، باید در برخورد به زنانی که جرأت کرده بودند پا را از درون مناسبات کهن بیرون بگذارند، نشان می‌داد که چگونه این عقابان بلند پرواز را بال و پر می‌شکند، تا به موقعیتی پایین‌تر از قبل راضی شوند. مثلاً تجاوز به عنوان یک شکنجه‌ی جنسی، جسمی و روانی مخرب در تمام ساختارهای طبقاتی مردسالار مرسوم بوده و هست اما در زندان‌های جمهوری اسلامی علاوه بر آن، جنبه‌ی مذهبی و تسلیم‌اراده‌ی زن در مقابل فرمان خدا را نیز تحمیل می‌کردند. شکستن، تخریب و تخطئه‌ی زنانی که تا دیروز برای آزادی‌شان از جان مایه می‌گذاشتند، کار ساده‌ای نبود؛ به همین دلیل هم باید این زنان را به نمایندگی از طرف تمام زنان دیگر رام و مطیع و مجازات می‌کرد تا به امر خدا و نمایندگان او گردن نهند. از پوشاندن چادر بر سر زنان کمونیست و لائیک تا اجبار به نماز خواندن، تجاوز، آزارها و شکنجه‌های جنسی و... اقداماتی بود که این امر را ممکن می‌کرد.

حفظ خاطره‌ی مقاومت و شکست‌ناپذیری زندانیان سیاسی دهه‌ی ۶۰ و تابستان ۶۷ بخش مهمی از مبارزه‌ی ما برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. امروز با وجود گذشت سالها از کشتار زندانیان سیاسی در پشت درهای بسته‌ی زندان‌های جمهوری اسلامی، نه کشتار و شکنجه و اعدام در درون و بیرون زندان پایان یافته است و نه مقاومت و مبارزه و خواست تغییر و رهایی کل بشریت و ساخت جهانی که در آن هیچ‌کس به خاطر داشتن عقاید مخالف زندانی و اعدام نمی‌شود.

از تمامی انسانهای برابری طلب و آزادی خواه دعوت می‌کنیم، ما را در بزرگداشت یاد و
خاطره‌ی زندانیان سیاسی کشته شده در دهه‌ی ۶۰ همراهی کنند.

زمان: شنبه ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳ ساعت ۱۳:۰۰ تا ۱۵:۰۰

مکان: جلوی درب ایستگاه مرکزی قطار (Hauptbahnhof)

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان) واحد برمن

سپتامبر ۲۰۱۳

www.8mars.com

8mars.br@gmail.com

zan_dem_iran@hotmail.com

www.facebook.com/8Marsorg

www.youtube.com/8marsorg